

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹

تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم • تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

شنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۱ • ۵ شوال ۱۴۴۳ • ۷ می ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۷۱ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۱۵

اذان صبح فردا ۴:۳۰ • طلوع آفتاب ۶:۰۶

روزنامه

دیالوگ روز

شب بلدا - کیومرث پوراحمد - ۱۳۸۰

حامد (محمدرضا فروتن): چیه برادر؟! جشن تولده. ممنوعه؟ زن بی حجاب نداریم. زن باحجاب نداریم. مرد بی‌غیرت نداریم. مرد باغیرتم نداریم. نوار مبتذل نداریم. ماهواره نداریم. صور قبیحه نداریم. حشیش، کرس، تریاک، زغال خوب و رفیق ناباب نداریم. رقص، آواز، خوشی، خنده، بشکن و بالابنداز نداریم. شرمندتونم هیچ چیز ممنوعه کلا نداریم. نداریم. مهمونیه ولی مهمون هم نداریم... جشن تولد به بچه‌س ولی بچه هم نداریم.



♦ برداشت توت‌فرنگی از مزارع استان گلستان. عکس: فائزه کابلی، باشگاه خبرنگاران جوان



یاد

هفته‌نوشت

جالش عدالت و خودباوری

ناخرسندی گروه‌های اجتماعی از ناپایداری روزمره بهای کالا و کارها و

افزایش بی‌دریی تورم از یک سو و پیام‌های نابرابری دسترسی به خانه، کار و مزد متناسب از سسوی دیگر چالش بزرگ این روزهای ایران است. امروز خواسته‌های جامعه هم دربردارنده نیاز به آزادی‌های نسبی سبک زندگی است و هم به‌ویژه به مفهوم «عدالت» پیوند می‌خورد. چرا فراهم‌سازی و اداره یک زندگی ساده خشنودکننده برای بخش‌های گوناگون جامعه، به‌ویژه کارگران و آموزش‌کاران و درمانگران، دور از دسترس شده، درحالی‌که منشور ملی کشور، قانون اساسی، فراهم‌بودن و برخورداری آموزش، بهداشت و درمان و کار و خانه را به مثابه حق بنیادی هر ایرانی واگو کرده است؟ افزایش بهای زمین، خانه، خودرو، کالاهای پایه، خوراک، پوشاک و هر چیز خرد و کلاک فشار توان‌فرسایی به جامعه آورده تا جایی که سخن از نابودی طبقه متوسط و فقر فراگیر در میان است. شکاف اجتماعی ژرف‌تر و بازسازی شکاف‌ها و درمان آسیب‌ها دشوارتر می‌شود.

در چنین وضعیت پرفشار و تنش‌زایی، آشفتگی‌های رفتاری و هیجانی مردم شگفت‌انگیز نیست و نمی‌توان برای بهداشت روانی شهروندان تنها به نسخه‌های درون‌سامانه‌ای و مهارت‌آموزی فردی بسنده کرد. فشار بیرونی یک عامل اثر گذار و واقعی است که تلاش‌های فرد برای به‌کارگیری سازوکارهای سازنده را ناکار می‌کند.

چالش «عدالت»، خودباوری، خودارزنده‌پنداری، امیدواری و کارایی فرد و جامعه را دچار مسئله کرده است. بی‌عدالتی یکی از بزرگ‌ترین عوامل آسیب روانی و ویران‌کننده تعامل‌های اجتماعی است. در وضعیت پرچالش و ناپایداری‌های پیچیده سخن‌گفتن از امید و بهبود روزبه‌روز دشوارتر می‌شود. خبرهای درون‌مرزی یا جهانی در سیطره سرمایه‌داری و نمود چیرگی قدرت و سرمایه انحصاری شده است. بسیاری از گروه‌های نهادی در کمترین سطح کارکرد خود هستند و دوستان از یکدیگر درباره چه باید کرد می‌پرسند. در این روزهای پرمناسبت اردیبهشتی که پرسش درباره عدالت، حق و امید فراگیرتر است و کارگران و معلمان خواستار تعامل با مدیران در موقعیت برابر هستند، بازخوانی و باهم‌خوانی کتاب «عدالت: چه باید کرد؟» مایکل سندل با برگردان افشین خاکباز می‌تواند سودمند باشد. این کتاب را نخستین بار انتشارات فرهنگ نشر نو با همکاری نشر آسیم در سال ۱۳۹۶ چاپ کرد. این نوشته گفتارهای آموزشی سندل در دوران کار آموزشی در دانشگاه را در بر دارد. او با پرسشی که این روز و روزگار آغاز گفت‌وگوهاست به مسئله پرداخته: «چه کاری در دست است؟». نویسنده با برشمردن نمونه‌هایی از ویژگی‌های بازار آزاد چه به مثابه روبه و چه در چالش‌هایی مانند توفان یا خشک سالی با همه‌گیری بیماری‌ها و وضعیت نابرابری‌ها و به‌جامنایی (توجه)‌های سرمایه‌داری را پیش‌رو آورده است. او از رفاه، آزادی و رقابت می‌گوید ولی اخلاق و باورها و ارزش‌های اخلاقی را هم به میان می‌آورد. او از معامله‌های شیطانی در جامعه توفان‌زده سخن می‌گوید و بازخورد (نگرش)‌ها و منش‌ها را کانون مسئله برمی‌شمرد. از این دیدگاه بازخورد اخلاقی اقدامی شخصی نیست بلکه تلاشی گروهی و نیازمند همراهی دوست، خویشاوند، همسایه و دیگر شهروندان است. نویسنده فایده‌گرایی (اصل بیشترین سعادت) و اختیارگرایی را نقد کرده. تعامل و رودرویی‌های بازار و اخلاق را یرنگاشته است. در این میان با بازگوکردن نمونه‌هایی مانند جمع‌آوری متدکبان، بارانه‌های نقدی، فروش کلیه و... فضیلت مدنی و خیر همگانی را به پیش می‌کشد. او در ادامه دیدگاه «جان رالز» درباره برابری با به‌جامنایی تصادفی بودن استعدادها را بازگو کرده است. تبعیض مثبت، شایسته‌سالاری از دیدگاه ارسطو و حتی که بر گردن یکدیگر داریم، بخش‌های دیگری از این نوشته هستند. او به وفاداری به مثابه یک معما پرداخته و در پرداختن به «عدالت و خیر همگانی» درباره فداکاری و خدمت شهروندی، بازدارنده‌های اخلاقی، همبستگی و فضیلت مدنی و سیاست مشارکت اخلاقی نوشته و نتیجه‌گیری کرده است.

به باور سندل، دخالت و کنشگری اخلاقی سازنده‌تر و پیش‌برنده‌تر از سیاست پرهیز و کناره‌جویی است و راه برساختن جامعه‌ای با زندگی عادلانه کنشگری و انریخشی در عرصه عمومی است. با این رویکرد، سر به لاک خود فروبردن یا بسنده‌کردن به بهسازی درونی و فردی برای مهار ویرانی اجتماعی به جایی نمی‌رسد و جایی هم‌ان فرد را هم به گرداب فروریزی در نابرابری جامعه می‌کشاند. آموزش، درمان یا روان‌شناسی و روان‌درمان‌گری امروز باید جامعه‌گر و در میدان خیر جمعی پیش برود. چه‌بسا راه چاره در بازاندیشی جمعی، پرداختن به فضیلت‌های فراموش‌شده (راستی، درستی و وفاداری) و مبارزه با نیرنگ، فریب، فرافکنی و خیانت فراگیر در بسنده‌کردن به سطوح‌ها و سویه‌های گوناگون زندگی امروزمان باشد. روشن است که این کنشگری در عرصه عمومی نیاز به ازخودگذشتگی فداکاری و همبستگی دارد.

عاشق خیمه‌شب‌بازی‌ام ...

اگر بود، حتما یادم می‌ماند. نبود، به خدا نبود. اگر بود حتما به قدر سر سوزنی یادم می‌ماند، نه نبود؛ برای دبدن «انجوی شیرازی»، رئیس پایه‌سن‌گذاشته آن روزگار برنامه «فرهنگ و مردم»، من از هفت‌خانی به سبک و سیاق این روزها رد نشده بودم... این را دیگری یقینا می‌دانم که تلفنی هم وقت نگرفته بودم. سال ۱۳۴۹ از این خبرها نبود؛ منشی تلفنی نبود، وقت گرفتنی در کار نبود. خلاصه من ۲۰ساله و سرمست از حضور در تهران و غوطه‌ورشدن در دنیای تئاتر، روبه‌روی انجوی شیرازی نشسته بودم، نه تتم می‌لرزد و نه او کاری می‌کرد که من دست و پایم را کم کنم:

گفتم: عاشق خیمه‌شب‌بازی‌ام...

گفت: چه جالب... افسانه آفرینش هدایت رو خواندی؟

گفتم: نه!

گفت: ها! حق داری! توی تهرانش گیر نمیداد وای به حال... کجایی بودی؟

گفتم: کردم... سندنجی‌ام...

گفت: ها! بله... اونجاها... چی شد که عاشق شدی؟

گفتم: به باشگاه افسران در سندرچ هست که جای تفریح افسران ارتشه، گاهی‌ام درش به روی همه با می‌شه... ۱۰ساله بودم که به خیمه‌شب‌بازی اونجا دیدم و یک دل نه صد دل عاشق مبارک و خیمه‌شب‌بازی شدم. حلالم که پام به تهران باز شده هروقت فرصت بکنم، میرم ستراه سیروس، راسته «بنگاه‌های شادمانی».

پرسید: هنوز خبری هست؟

چند ماه بعد، مرشد نعمت‌الله عباسی را به دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا دعوت کردم؛ یک روز تاریخی برای هنری که آخرین نفس‌هایش را می‌کشید. اما من تحت تأثیر آن جلسه کوتاه اما پربار با انجوی شیرازی و عشقی که به نمایش‌های سرزمینم داشتم، تا به امروز مانده و از سرزنش‌های خار مغیلان نهراسیده‌ام. روانش شاد. روان صادق هدایت هم شادتر که پیغیفیف نمی‌کرد و عمر پربارش را صرف آن کرد که بداند بر شانه‌های چه کسانی ایستاده است.

هنر

چه خبر؟

هفدهمین مراسم «شب بازیگر» پس از دو سال و اتفاقات کرونایی در تئاتر قرار است این شب با دبیری شهره سلطانی برگزار شود و البته با تصمیم هیئت‌مدیره انجمن بازیگری ریاست این جشن بر عهده استاد ایرج راد خواهد بود. از نگرانی‌های برگزار این جشن عدم تغییر آیین‌نامه و شرایط حضور و دآوری در آن است.

«سیمرغانه» اثری موزیکال از امیر عابدی و مریم شریف‌زاده‌شیرازی و کارگردانی میترا کریم‌خانی است که در تالار وحدت تهران روی صحنه رفت. ایسن اثر درصدد بود تا با جلب توجه مخاطب نوجوان به ادبیات کلاسیک و موسیقی بدیع ایرانی به جزئیاتی از نقش پرندگان بومی ایران و لزوم توجه به آنها در محیط زیست نیز بپردازد. داستان منطق‌الطیر بهانه‌ای بود برای معرفی بخشی از میراث طبیعی این سرزمین و طبیعتی که بخشی از آن پرندگان بی‌همتایی هستند.

آمارخوانی

تغییرات فطریه

فطریه نمادی است از روند تغییرات اقتصادی جامعه ایران امروز. میزان فطریه معادل مبلغ سه کیلوگرم قوت غالب (غذای روزمره) مورد استفاده افراد است که می‌تواند گندم (برای کسانی که بیشتر نان می‌خورند) یا برنج یا مانند اینها باشد. در سال ۹۷ حداقل مبلغ فطریه هشت هزار تومان (بر اساس قوت غالب گندم) بوده است. این روند تاکنون تغییراتی داشته است.

فطریه (متر)	گندم	برنج خارجی	برنج ایرانی	کفاره عمد	کفاره غیر عمد
۱۳۹۸	۸	---	۱۵۰	۲۵۰۰	
۱۳۹۹	۱۰	۳۰	---	۱۸۰	۳۰۰۰
۱۴۰۰	۲۰	۷۵	۵۰	۳۰۰	۵۰۰۰
۱۴۰۱	۴۰	۱۰۰	۲۲۵	۴۸۰	۸۰۰۰

❖ مبالغ بر اساس هزار تومان است

❖ نرخ تورم بر اساس ۱۲ ماه منتهی به اسفند از طرف بانک مرکزی اعلام شده است

تورم	
سال ۹۷	۳۱٫۲ درصد
سال ۹۸	۴۱٫۲ درصد
سال ۱۳۹۹	۴۸٫۷ درصد
سال ۱۴۰۰	۳۹۰٫۷ درصد

که همه اجزا را به هم وصل می‌کند و سیستم آموزشی را به حرکت درمی‌آورد. در آموزه‌های اسلامی احترام به معلم که پدر معنوی و روحانی انسان است، یک وظیفه انسانی-اسلامی است و احترام اصلی و حقیقی به معلم یا کسانی که چیزی از آنها یاد می‌گیریم، عمل به آموخته‌های آنان، ترویج و تبلیغ آنچه از آنها یاد گرفته‌یم به دیگران، یادسازاری ارزش‌های علمی و اخلاقی و تکریم شخصیت و تعظیم آنان در همه شرایط و تواضع در برابر آنهاست. معلمان محور تحول و پیشرفت‌اند و از آنها به‌عنوان افسران سپاه پیشرفت نام برده‌اند و با توجه به شعار، اسامی روزشمار هفته معلم، معلم پیشران جامعه دانش‌بنیان معرفی شده‌ که با معلم حرفه‌ای، خلاق و توانمند می‌توان به اقتصاد دانش‌بنیان دست یافت و قله‌های رشد و پیشرفت جهانی را فتح کرد. با این اوصاف باید دغدغه‌های معلمان و سیستم آموزشی کشور را جدی گرفت و حل مشکلات و چالش‌های آنها در اولویت باشد. حدود ۱۰ سال طول کشید تا بالاخره قانون نظام تربیتی معلمان در مجلس و دولت به تصویب برسد و اکنون آیین‌نامه‌های اجرایی آن در وزارتخانه آموزش و پرورش در حال تدوین است. اگرچه این قانون در حین پاس‌کاری‌های فراوان در مجلس و شورای نگهبان، تغییرات فراوانی کرد و خان‌های زیادی را پشت سر گذاشت، ولی هنوز بندهایی از آیین‌نامه اجرایی آن به‌صورت کلی مورد رضایت همه معلمان نیست. معلمان خواستار تغییر این آیین‌نامه به شکلی هستند که اکثر معلمان بتوانند از مزایای آن استفاده کنند. در اجرای قانون تربیت و پیشرفت معلمان، مهم‌تر از بحث افزایش حقوق و حل مشکل معیشت معلمان، بحث ارتقای شأن و

عاشق خیمه‌شب‌بازی‌ام ...

گفتم: مایوس‌اند، پُرمده‌اند ولی من رو که می‌بینی به جوری می‌شن... باورشون نمیشه که کسی از دانشگاه بره سراغشون... با اغلبشون رفیق شدم؛ بچه‌های کاکاممد خیمه‌شب‌باز دربار قاجار، خانواده احمدی که بهشون می‌کن مرده‌خور... خندید و پرسید: چرا مرده‌خور؟! گفتم: آخه نایب شهرداری‌ان و توی غسالخونه کار می‌کنن، اینو به خیمه‌شب‌باز کلیمی بهم گفت، «نجات‌وردی»...

استاد نگاهم کرد؛ در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم نخور

و بعد بلند شد و از قفسه‌ای نزدیک، یک کتابچه آورد و به من داد؛ هدایت مدرن بود ولی می‌دونست روی ششونه کی ایستاده، اگرک نمی‌دونست می‌پرسید، می‌خوند. این کتابچه کوچکه ولی راه رو نشونت می‌ده و بعد با تاکید گفت: این یادداشتم بگیر برو آرشو رادیو، اگر نوازی از قدیم باشه میدان گوش بدی... ***

نمی‌دانستم که انجوی شیرازی رفیق صادق هدایت بوده، نمی‌دانستم که مصحح دیوان حافظ بوده، فقط گاهی در مجله‌ای چیزی از او خوانده بودم اما صدایش همچنان که صدای «جواهر کلام» و «صبحی» و «محیط‌طباطبایی» و «راشد» و دیگران برایم صدایی ماورایی بود، برایم راهی به دنیای قصه‌ها و مثل و مثل‌ها بود... بی‌تردید اگر می‌دانستم که او چه‌ها کرده و چه‌ها دیده و اگر می‌دانستم چه اتهاماتی در رابطه با خودکشی صادق هدایت به او بسته‌اند، حتما خوب یا بد، دیدم تغییر می‌کرد. اما خدا روشکر که اینها را نمی‌دانستم بلکه شیفته منش و سادگی و فزانگی‌اش شده بودم...

چند ماه بعد، مرشد نعمت‌الله عباسی را به دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا دعوت کردم؛ یک روز تاریخی برای هنری که آخرین نفس‌هایش را می‌کشید. اما من تحت تأثیر آن جلسه کوتاه اما پربار با انجوی شیرازی و عشقی که به نمایش‌های سرزمینم داشتم، تا به امروز مانده و از سرزنش‌های خار مغیلان نهراسیده‌ام. روانش شاد. روان صادق هدایت هم شادتر که پیغیفیف نمی‌کرد و عمر پربارش را صرف آن کرد که بداند بر شانه‌های چه کسانی ایستاده است.

روزخوانی

زجر معلمان از فقر نیست از فرق است

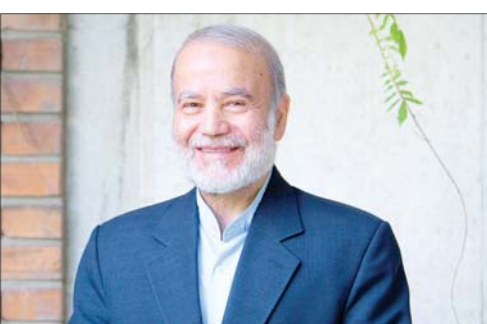
جایگاه معلمی و ایجاد حس رقابت و شور و نشاط بین معلمان مطرح است. فضای حاکم بر جامعه و تغییرات فرهنگی طوری پیش رفته که معلمان مانند دهه‌های گذشته صاحب قدر و منزلت نیستند و این آسیب بزرگی است که به پیکره آموزش کشور وارد شده است. معلمانی که قدر و منزلت‌شان تنزل پیدا کند و نفوذ کلام‌شان کم شود، راهی دشوار را برای رسیدن به اهداف متعالی آموزش‌وپروش که در سند تحول بنیادین به آن اشاره شده، خواهند داشت. وقتی معلمان بی‌انگیزه شوند و به تعلیم و تربیت نیز بهای اندکی داده شود و فقط به سطوح یاد‌گرفتن به دیگران، یادسپاری ارزش‌های علمی و اخلاقی آنها، برخوردار است و آموزش و تعلیم و تربیت در اولویت باشد و از موضوعات مهم تلقی شود، بی‌شک آن جامعه‌از رشد و تعالی برخوردار خواهد بود. معلمی شغل نیست بلکه عشق و ایثار و ازخودگذشتگی است. معلمان سعادت و خوشبختی خود را در سعادت فراگیران می‌دانند و در برابر ناملایمات جامعه خود را سہیم می‌دانند. معلم در چرخه آموزش، محور اصلی است که همه اجزا را به هم وصل می‌کند و سیستم آموزشی را به حرکت درمی‌آورد. در آموزه‌های اسلامی احترام به معلم که پدر معنوی و روحانی انسان است، یک وظیفه انسانی-اسلامی است و احترام اصلی و حقیقی به معلم یا کسانی که چیزی از آنها یاد می‌گیریم، عمل به آموخته‌های آنان، ترویج و تبلیغ آنچه از آنها یاد‌گرفته‌یم به دیگران، یادسپاری ارزش‌های علمی و اخلاقی آنها، تکریم شخصیت و تعظیم آنان در همه شرایط و تواضع در برابر آنهاست. معلمان محور تحول و پیشرفت‌اند و از آنها به‌عنوان افسران سپاه پیشرفت نام برده‌اند و با توجه به شعار امسال و روزشمار هفته معلم، معلم پیشران جامعه دانش‌بنیان معرفی شده که با مدست حرفه‌ای، خلاق و توانمند می‌توان به اقتصاد دانش‌بنیان دست یافت و قله‌های رشد و پیشرفت جهانی را فتح کرد. با این اوصاف باید دغدغه‌های معلمان و سیستم آموزشی کشور را جدی گرفت و حل مشکلات و چالش‌های آنها در اولویت باشد. حدود ۱۰ سال طول کشید تا بالاخره قانون نظام رتبه‌بندی معلمان در مجلس و دولت به تصویب برسد و اکنون آیین‌نامه‌های اجرایی آن در وزارتخانه آموزش‌وپروش در حال تدوین است. اگرچه این قانون در حین پاس‌کاری‌های فراوان در مجلس و شورای نگهبان، تغییرات فراوانی کرد و خان‌های زیادی را پشت سر گذاشت، ولی هنوز بندهایی از آیین‌نامه اجرایی آن به‌صورت کلی مورد رضایت همه معلمان نیست و معلمان خواستار تغییر این آیین‌نامه به شکلی هستند که اکثر معلمان بتوانند از مزایای آن استفاده کنند.

معلمان قادرشناسی و ارتقای شأن و منزلت معلم، زمینه پیشرفت علمی کشور را مهیا کرد.

یاد

یادی از دکتر آیینه‌وند

ستاره‌ای که خاموش نمی‌شود



دکتر صادق آیینه‌وند از هم‌دوره‌ای‌های ما در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در دهه ۵۰ بود، دهه‌ای که فضای دانشجویی، بسیار پراشتهاپ و در عین حال پر نشاط و دوست‌داشتی بود. در این‌سو و آن‌سو، هسته‌های مطالعاتی و گفت‌وگوهای اندیشه‌ورزانه جریان داشت. مصر در آن سال‌ها مرکز تحولات پرشتاب جهان عرب بود و برخی مبارزان ایرانی در آنجا دوره «آموزش‌های چریکی» می‌گذرانند. نمایشگاه کتاب قاهره با شعار مبارزه با اسراریل و با محوریت «ناسیونالیسم عربی» هواداران فراوانی داشت. جز این از ایران هم گروه‌های دیگری در آن نمایشگاه حضور داشتند. به دلیل علاقه‌مندی مردم مصر به اهل‌بیت، مؤسسات دینی ایران آثار شیعی را در آنجا به شکل وسیع عرضه می‌کردند، من که خود دو دهه بعد سری به این نمایشگاه زدم، دریافتم هنوز تپوتاب آن روزگار، این موج را زنده نگه داشته و کتاب‌های نویسندگان جدید و قدیم و شیعی‌مذهب هم در آن به چشم می‌خورد. شاید حضور مستقیم و بی‌برده نیروهای امنیتی و حتی نفیر در برابر ورودی نمایشگاه قاهره در آن سال یادآور آن گذشته خفیر و باشکوه بود که برای فاصله‌گذاری با آن چارهای جز استفاده مستقیم از نیروی پلیس نداشتند. آقای شاهمرادی، معلم خوب هنده سدیرستان علوی که در رشته حدیث و تاریخ اسلام نیز دستی داشت، با فرزندان علامه امینی پژوهش‌های مشترکی را بی می‌گرفت و از شرکت‌کنندگان در آن نمایشگاه بود. وی تعداد زیادی کتاب همراه خود از آنجا آورد؛ ازجمله به دلیل دغدغه‌های معلمی، کتاب‌هایی مانند «علم برای کودکان و نوجوانان»، آثاری درباره هیئت، نجوم، طبیعت، جغرافیا و... به زبان عربی، سوغات آورد. این کتابها، بیشتر ترجمه از متون غربی و با نقاشی و طراحی زیبا و جایی رنگی عرضه می‌شدند که در آن سال‌ها در ایران تنها «کتاب‌های بنفشه» (بخش کودک انتشارات امیرکبیر) و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چنان آراسته کارهایی ارائه می‌دادند، اما آنها هم کمتر در زمینه کتاب‌های علمی بود. ناشران ویژه کتاب‌های کودکان و نوجوانان غیرودلتی و مذهبی کم‌کم در حال شکل‌گیری بودند. آقای صادق صدوقی، نقاش مشهور آثار آنها در آن روزگار بود که بیشتر داستان‌های قرآنی و تاریخ اسلام را نقاشی می‌کردند. در چنین اوضاعی ترجمه آثار علمی کودکان می‌توانست قدم بلندی در کار کتاب کودک باشد. اما چه کسی این موضوع را می‌فهمید و می‌توانست ترجمه این کار را به سرانجام برساند؟ در آن سال‌ها در رشته تاریخ و ادبیات عرب هم دوستان پرتلاشی بودند که بعضی از آنان در کارشان نام‌آورند. اما در بین همه آنها تنها آقای صادق آیینه‌وند به این کار روی آورد. با ایشان به منزل آقای شاهمرادی در خیابان ایران رفتم؛ جلسه خوبی بود و در پایان آقای آیینه‌وند چندین اثر را انتخاب کرد، امانت گرفت و به فارسی برگرداند و البته بعضی اصطلاحات فنی را نقطه‌گذاری کرد که تکمیل کند. اما مشکل اساسی، نیاز به حجم بالای سرمایه‌گذاری برای چاپ این آثار بود که در بین ناشران مذهبی جز مؤسسه دارالتبلیغ اسلامی قم از عهده آن برنمی‌آمد. اما به دلایلی امکان همکاری با آن فراهم نشد. تحولات اجتماعی، چنان پرشتاب بود که این کار عملا از یاد رفت و من و آقای ارگانی، آقای نیکخواه، جناب ثبوت و برخی دیگر که در این کارها بودیم، از این قافله دور شدیم و به مسائل دیگری پیوستیم. آقای آیینه‌وند هم این کار را کم‌رویش کنار گذاشت چون ناشر مناسبی هم برای آن به آسانی پیدا نمی‌شد و به سوی پژوهش‌های اجتماعی-دینی و سپس به سمت تاریخ اسلام و ادبیات شیعی رفت و آن را محور فعالیت خود قرار داد. نخستین اثر ایشان در تاریخ ادلس مردم‌هایی بود که در سال ۵۹ در مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی علامه طباطبایی در محل باشگاه معلمان فعلی ارائه کرد و پس از پیاپیدشدن از نوار و ویرایش در دسترس قرار گرفت. در آماده‌سازی این کتاب خاتم میناخواهنوری با ایشان همکاری داشتند. برای من همیش این سؤال باقی ماند که چرا بسیاری از بزرگان هنر و ادبیات از حوزه کودک آغاز کردند؛ هرچند در آن زمانند؟! در جلساتی که با حضور آقای محمدباقر جنتی و برخی استادان دیگر، من و البته بیشتر در منزل خودشان (دکتر آیینه‌وند) برگزار می‌شد، از آن جلسه و این کار به شیرینی یاد می‌کردند؛ به‌ویژه که بچه‌ها بزرگ‌تر شده بودند و آقای آیینه‌وند می‌گفت اگر این ترجمه‌ها را بپیکری می‌کردیم، امروزه برای خودش بازاری داشت و بچه‌های ما هم آن را ورق می‌زدند و بعدها می‌خواندند.